

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

قانونشکن

(خود فروشان ز پی. گرمی. بازار خود اند)
گهی پالان و گهی خر ، گهی خرکار خود اند
شرف و شخصیت و عزت خود ، داده به باد
گه سوارِ خر جهاند و ، گهی سوارِ خود اند
بسکه شهرت طلب و ، مُفته بخر ، بی سرو پا
ننگ و ناموس به مفت داده ، خریدارِ خود اند
عاطل و باطلِ اعمال ، ولی ، در اقوال
دکتور و ، دارو و ، درمان و ، پرستارِ خود اند
حاجی و ، قاری و ، ملا و ، گهی پیشنهاد
ریش و پشم و چین و لنگی و پیزارِ خود اند
قاضی و ، جرم و ، وکیلان دفاع و ، قانون
مجرم و گردن و ، هم حلقه و هم ، دارِ خود اند
طالب ، ناصر (گیلانی) و (سیاف) شده
گژدم و غنڈل و هم ، مار لبِ غارِ خود اند
لقب و منصبِ اُستاد ، ازین ناخلفان
شپش و کیک و خسک ، داخلِ شلوارِ خود اند

آنتر (خوجیین) و ، منتر (گلبته) ما
هر دو در فکر عوض کردن شلوار خود اند
تا که یک جبهه قلبایی تاسیس شود
پی تخریب وطن ، قتلِ وطندار خود اند
حیف ، (قانونی قانون شکن) و ، یارانش
آله دست اجانب شده ، سرشار خود اند
باشه و زاغ و زغن ، کرگس و کمرغک ما
وحدت ملی اعلان و ، به پیکار خود اند
ظاهراً (طالب) و (قانونی) ، به جنگ و جدلند
در خفا ، دلبر یکدیگر و دلدار خود اند
(طالبان) زاده (امریکه) و (پاکستانند)
زانکه مُردار ، ز مُرداری ، مُردار خود اند
نان و حلو ، به مزاج همه (طالب) سازد
عارق مُفت ، ز باد کم و بسیار خود اند
باز (رنگین سپینتا) ز میان رفت ، نرفت
این چه رازیست ، که انکار ، ز اقرار خود اند
این وکیلان و ، وزیران و ، رئیسان دغا
کی به فکر وطن و ، مردم بیچار خود اند
ما که خیری ، نه ز شورا و حکومت دیدیم
وُکلا ، فکر زر و ، دالر و ، دینار خود اند
نوکر و ، موتر و ، چاکر ، همه در خدمت شان
رمه و گرگ و پلنگ ، بره و کفتار خود اند
عاقبت ، حمله ، شورای جنایتکاران
پرده بر چهره ، ملعون ستمکار خود اند
اینهمه دزد و ، جنایتگر و ، قطاع الطریق
شامل جبهه ملی شده ، بادر خود اند
چاکر روسیه و ، برده انگلیس و عرب
نوکر خاص ، به امریکه چوتار خود اند
باتأسف ، ز وطندار ، ندارند خبری

که به ملکِ دگران رفته و بیزارِ خود اند
می ندانم که چه شد ، غیرتِ افغانیِ ما
من و تو خواب و حریفان ، همه بیدارِ خود اند
هموطن رفته به (ایران) و ، شده آواره
پُشته از کُشته ، به هر گوشه ز ایثارِ خود اند
جنگِ (ایران) و (عراق) بود و ، ولی افغانها
به دفاع از حقِ همسایه ، عزادارِ خود اند
لیک پاداشِ چنین ، جور و جفا و ستمی
متوقع ، زمسلمان و ، نه کفارِ خود اند
گله از غیره مکن ، زانکه مسلمانِ خودت
دشمن جان تو و ، همدمِ اغیارِ خود اند
جبههٔ ملیِ قلابیِ ما ، با کش و فَنش
غافل از حرفِ حق و کافلِ گفتارِ خود اند
ننگِ تاریخِ نگر ، اینهمه عمامه به سر
که سیاسی شده مکاره و غدارِ خود اند
« نعمتا » هرچه دلت خواست بگو بی کم و کاست
زانکه این طایفه اوباش و ، هم اشرارِ خود اند